

پهنه بندی خطر لغزش در حوضه جاجرود با استفاده از روش تحلیل

سلسله مراتبی

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۱۵ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۲/۲۰

صفحات: ۵۱-۶۸

عزت اله قنوازی: دانشیار دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلم تهران^۱

Email: eghanavati@yahoo.com

چکیده

پدیده زمین لغزش یکی از عمده بلایای طبیعی است که همه ساله خسارات مالی و جانی زیادی در پی داشته و هزینه فراوانی برای بازسازی مناطق آسیب دیده بر بودجه کشور تحمیل می کند. پهنه بندی خطر زمین لغزش که با هدف تقسیم بندی نواحی مورد مطالعه به پهنه های باخطرات متفاوت با توجه به عوامل موثر می باشد، می تواند تا حدودی جلوی خسارات زیادی را بگیرد. منطقه جاجرود واقع در شمال شرق تهران به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای طبیعی و زمین شناسی آن یکی از مناطق مستعد کشور نسبت به وقوع زمین لغزش و سایر پدیده های مرتبط با لغزش دامنه ها می باشد. با توجه به اینکه سد لتیان به عنوان یکی از مهمترین منابع تامین کننده آب کلان شهر تهران و همچنین دشت ورامین در حوضه جاجرود قرار گرفته است، وقوع حرکات دامنه ای این منبع مهم را با خطر جدی مواجه نموده است. لذا لازم است موضوع بررسی و راهکارهای کاهش خسارات پیشنهاد گردد. در این تحقیق با توجه به اهمیت لغزش در حوضه یک مدل کمی - کیفی برای پیش بینی خطر بالقوه لغزش تهیه شده است تا بتوان بر اساس آن استعداد لغزش را بر مبنای درجات مختلفی چون خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد پهنه بندی نمود. با توجه به اینکه بین زمین لغزش ها و عوامل موثر بر آنها رابطه خطی وجود ندارد، لذا با نگرش های آماری معمول نمی توان تمام مسائل را حل نمود. از این بابت مدل تحلیل سلسله مراتبی شرایطی را فراهم می نماید تا بتوان نقشه پهنه بندی خطر لغزش را با جزئیات بیشتری تحلیل نمود. در تحقیق حاضر جهت پهنه بندی خطر زمین لغزش از مدل تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است. نتایج حاصل نشان داد که بیش از ۶۲ درصد از مساحت حوضه جاجرود در پهنه های خطر زیاد و بسیار زیاد لغزشی واقع شده است. کلید واژگان: پهنه بندی، زمین لغزش، جاجرود، تحلیل سلسله مراتبی، بلایای طبیعی

^۱ نویسنده مسئول: تهران - خیابان مفتح - دانشگاه تربیت معلم - دانشکده علوم جغرافیایی

مقدمه

زمین لغزش از جمله سوانح طبیعی است که همه ساله موجب بروز خسارت های فراوان مالی و جانی در سراسر جهان می شود. در حال حاضر نیز هر ساله دهها زمین لغزش در نقاط مختلف کشور به وجود می آید و مناطق مسکونی، راه ها و تأسیسات بسیاری را مورد تهدید قرار می دهند. زمین لغزش ها هم به عنوان یکی از انواع بلایای طبیعی خسارات اقتصادی- اجتماعی فراوانی به بار می آورند (کمک پناه و منظر قائم ۱۳۷۳). گرچه به طور مطلق میزان خسارات اقتصادی ناشی از زمین لغزش ها در کشورهای پیشرفته بیشتر است ولی طبق مطالعات انجام شده توسط UNDRC¹ برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این خسارات یک تا دو درصد تولید ناخالص آنهاست.

پهنه بندی خطر زمین لغزش که با هدف تقسیم بندی نواحی مورد مطالعه به پهنه هایی با خطرات متفاوت با توجه به عوامل مؤثر می باشد، می تواند تا حدودی جلوی خسارات زیادی که در اثر بی توجهی به این امر همه ساله متوجه کشور می شود را بگیرد (شریعت جعفری، ۱۳۷۵). منطقه مورد مطالعه یکی از مناطقی است که دارای چنین مشکلاتی است، به طوری که منطقه حوضه جاجرود واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شرق تهران به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای طبیعی و زمین شناختی، یکی از مناطق مستعد کشور نسبت به وقوع زمین لغزش، سنگ ریزه و روانه های گلی و سایر پدیده های مرتبط با لغزش دامنه ها می باشند. باتوجه به اینکه سد لتیان به عنوان یکی از مهمترین منابع تأمین کننده آب کلان شهر تهران و همچنین دشت ورامین در این حوضه قرار گرفته و وقوع حرکات دامنه ای در این حوضه، این منبع مهم را با خطر جدی مواجهه نموده است. لذا لازم است موضوع بررسی و راهکارهای کاهش خسارات پیشنهاد گردد.

علیرغم پیشرفت دانش بشری در زمینه علل وقوع زمین لغزشها و توسعه سریع قابلیت های مهندسی جهت پیش بینی و کنترل آنها به دلایل رشد و توسعه مناطق و دخالت های غیر مجاز انسان در وضع طبیعی دامنه ها خسارات و تلفات ناشی از زمین لغزه ها رو به فزونی می باشد. از جمله راه های کاهش این خسارات پیش بینی قبل از وقوع حادثه می باشد که این مهم از طریق تهیه نقشه های خطر و ریسک که به پهنه بندی خطر زمین لغزش معروف اند امکان پذیر است. پهنه بندی خطر زمین لغزش با روش ها والگوهای متفاوتی انجام می پذیرد. بسیاری

¹ - United Nations Disaster Relief Coordinator

از روش های پهنه بندی پیشنهادی بر اساس شرایط خاص مناطق مورد بررسی بنا شده اند. از طرف دیگر تنوع بسیار شرایط موجود مانع تصور یک روش استاندارد که قابل استفاده در همه نقاط دیگر باشد، می گردد. روش های متعددی برای پهنه بندی خطر زمین لغزش وجود دارد ولی به طور کلی این روش ها به دو دسته روش های مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند. روشهای مستقیم پهنه بندی بر اساس قضاوت های متکی بر مناطق لغزش یافته صورت می گیرد، ولی روش های غیر مستقیم که تحقیق اخیر نیز از آن جمله است که بر اساس شناسایی عوامل کنترل کننده و تلفیق این عوامل به عنوان معرف های پتانسیل زمین لغزش، در پهنه بندی می باشد. از جمله این روش ها می توان به روش های پیشنهادی مورا و وارسون، آن بالاگان، نیلسن و روش اصلاح شده آن و روش های دیگر که متناسب با مناطق مختلف به کار برده شده است، اشاره کرد.

در قرن حاضر و با توسعه و پیشرفت سریع دانش بشری و نزدیکی علوم و تخصص ها به یکدیگر، مسأله ناپایداری دامنه ها و زمین لغزه ها به یکی از کانون های اصلی مورد توجه دانشمندان علوم ژئومورفولوژی، مهندسی زمین شناسی و ژئوتکنیک و رشته های مرتبط دیگر چون آبخیزداری و منابع طبیعی، برنامه ریزی محیط و آمایش سرزمین، تبدیل شده است. محققان و دانشمندانی چون هاو (۱۹۰۹)، لد (۱۹۳۵)، شارپ (۱۹۵۸)، وارنز (۱۹۵۸)، زارویا و منکل (۱۹۸۲)، ساوار نسکی (۱۹۳۹)، پوپوف (۱۹۵۸)، نمکوک، پاسکو ریبار و کوتز (۱۹۷۷)، بیشاپ (۱۹۶۲) و کارسون و کرکبای از کشورهای مختلفی چون آمریکا، انگلستان، روسیه، چک و اسلواکی و سایر کشورها در زمینه های مربوط به زمین لغزه ها، طبقه بندی، مطالعات و پژوهش های بارزشی را در قرن کنونی انجام داده اند (کرم، ۱۳۸۰). لوپز^۱ در سال ۱۹۹۱ برای مدل پردازی خطر حرکات توده ای از نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی "Lwis" استفاده نمود و از طریق تهیه نقشه فهرست زمین لغزش و مقایسه آن با سایر نقشه های متغیری در پایگاه اطلاعاتی توانست روابط شرطی بین متغیر های مؤثر در زمین لغزش و وقوع آن را در استخراج و بر اساس روابط حاصله اقدام به تهیه نقشه پهنه بندی خطر حرکات توده ای نماید. شوکیانگ و ویونوین^۲ در سال ۱۹۹۲ برای پهنه بندی خطر وقوع زمین لغزش در خاکهای لسی در چین از مدل پردازی این پدیده در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی و بهره گیری از روش آماری استفاده نموده اند و از این طریق اقدام به تهیه نقشه حساسیت به زمین لغزش کرده اند.

¹ - Lopez

² - Shuqiang and Unwin

فرناندز^۱ و دیگران در سال های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ برای مدل پردازی و آنالیز عوامل مؤثر در حرکات توده های سنگی در گراندادا و روتر - اسپانیا با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و نقشه فهرست زمین لغزش، شیب، جهت شیب، واحد های مختلف زمین شناسی، ضخامت و نوع خاک، نقشه همباران و پوشش گیاهی موفق به تهیه نقشه پهنه بندی زمین لغزش و سنگ ریزش گردیدند.

نگاراجان و روی^۲ برای بخشی از رودخانه پیندر هند اقدام به تهیه نقشه پهنه بندی مناطق مستعد به زمین لغزش با استفاده از اطلاعات ماهواره ای سنجنش از دور هند (IRS) و اطلاعات پایه زمینی نمودند. نقشه پهنه بندی بر اساس اطلاعات به دست آمده از زمین لغزش های قدیمی که در سال ۱۹۶۰ اتفاق افتاده بود تهیه گردید. اطلاعات ماهواره ای استفاده شده متعلق به سال ۱۹۸۹ می باشد (پولوس^۳، ۱۹۹۲). در کشور ما، پژوهش و کارهای انجام شده در زمینه زمین لغزه ها و حرکات توده ای بسیار جوان بوده و شروع جدی آنها عمدتاً به اوایل دهه فعلی (۸۰-۱۳۷۰) باز می گردد، توجه به مسایل عمرانی کشور پس از اتمام جنگ همگام با افزایش آگاهی از خسارت سنگین زمین لغزه ها و حرکات توده ای در سطح کشور باعث شد تا سازمان ها و وزارتخانه های ذیربط و برخی از محققین علوم زمین توجه خود را به این مسأله معطوف سازند. از میان محققان ایرانی درگیر در مسأله زمین لغزه و حرکات توده ای می توان از شمیرانی (۱۳۵۷)، کوثر (۱۳۵۸)، خوش رفتار (۱۳۷۲)، محمودیان (۱۳۷۴)، چوبینه (۱۳۷۳)، حق شناس (۱۳۷۴)، فرج زاده (۱۳۷۳)، شریعت جعفری (۱۳۷۵)، کرم (۱۳۸۰) و شمسی پور (۱۳۸۹) نام برد.

در این تحقیق محل وقوع و وسعت ۱۵۰ مورد زمین لغزش و پهنه لغزشی که توسط وزارت جهادکشاورزی شناسایی گردیده اند، روی نقشه توپوگرافی منطقه جاجرود با مقیاس ۵۰۰۰۰:۱ تعیین، علامت گذاری و مشخص شده اند.

شناسایی اولیه این لغزش ها با استفاده از عکسهای هوایی منطقه وبه کمک مطالعات میدانی انجام گرفته است. شناسایی عوامل مؤثر در لغزش دامنه ها در منطقه و تهیه نقشه های جداگانه از هر کدام از این عوامل گام بعدی بود. سپس در مرحله بعدی تحقیق، لیتولوژی،

¹ -Fernandez

² - Nagarajan and Roy

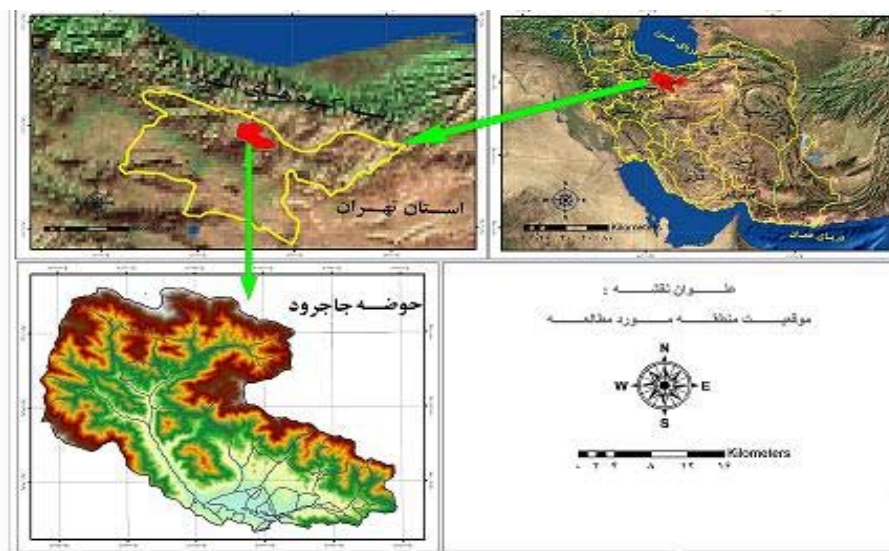
³ - Poulus

شیب، جهت شیب، کاربری اراضی، فاصله از غسل، نقشه ارتفاعی رقومی^۱ و بارندگی به عنوان عوامل موثر در زمین لغزش های منطقه، مطالعه و بررسی شده و در قالب مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مورد آنالیز قرار گرفت. سپس نتایج حاصل به صورت نقشه پهنه بندی در محیط GIS تهیه شده است.

موقعیت جغرافیایی

حوضه جاجرود تا محل سد لتیان محدوده ای است با مساحت ۶۹۶۸۳ هکتار که بین طولهای جغرافیایی ۲۲'، ۵۱° تا ۵۱'، ۵۱° شرقی و عرض های جغرافیایی ۴۵'، ۳۵° تا ۵۰'، ۳۶° شمالی واقع شده است. این حوضه با بیش از شصت روستا و سکنه دائم متشکل از دهستان های بخش رودبار قصران و بخش لواسانات که جزء فرمانداری شهرستان شمیرانات می باشد. در حدود ۱۰ کیلومتری شمال شرق تهران واقع شده است. این حوضه از شمال به حوضه سد لار، از غرب به حوضه کرج از جنوب به حوضه شمال تهران محدود می شود. رودخانه اصلی این حوضه جاجرود نام دارد. این رودخانه در شمال شامل سر شاخه اصلی گرما بدر، شمشک و آهار که به ترتیب در محل های فشم و اوشان به هم می پیوندند و در منطقه میانی حوضه رودخانه امامه و شاخه های فرعی قوچک - رودک به آن پیوسته و سپس به دریاچه سد می ریزد. در قسمت شرق حوضه رودخانه های کند، افجه و وارک به همراه تعدادی شاخه های فرعی کوچک مستقیماً به دریاچه سد می ریزد. این حوضه از زیرحوضه های لواسان (لوارک)، افجه، کند، امامه، گرمابدر، شمشک، آب میگون، رودک و قوچک تشکیل شده است. طول حوضه از محل سد تا منتهی الیه حوضه برابر ۴۶ کیلومتر و عرض آن از ۱۴ تا ۲۸ کیلومتر متغیر است. دسترسی به منطقه مورد مطالعه از طریق جاده های آسفالتی تهران به گردنه قوچک و گلندوک - تهران، پلیس راه جاجرود، سد لتیان و بزرگراه بابایی و لشگرک امکانپذیر است. شکل ۱ موقعیت جغرافیایی منطقه را نشان می دهد.

¹ -DEM



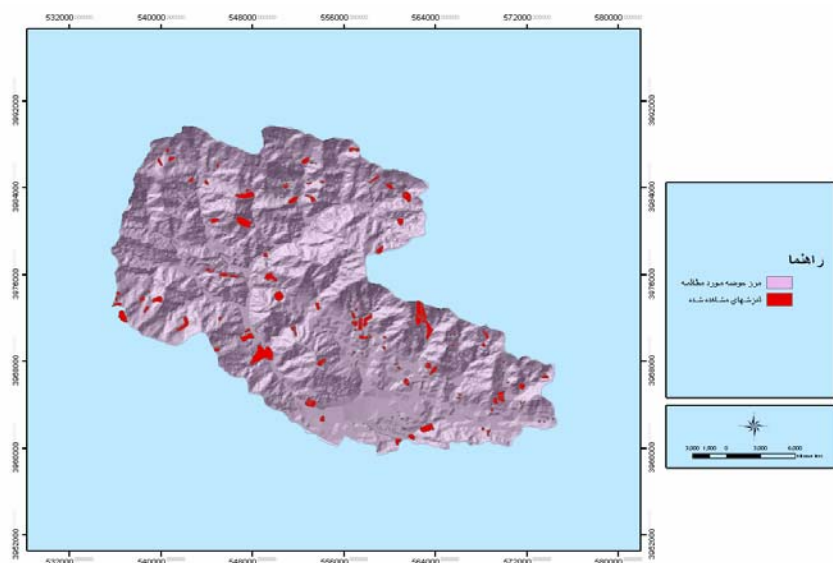
شکل (۱) موقعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه

داده ها و روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به تجربیات به دست آمده از بازدیدهای صحرائی و مطالعه منابع موجود شش عامل (شیب، جهت شیب، مدل ارتفاعی رقومی، لیتولوژی، فاصله از گسله ها و بارندگی) به عنوان عوامل اصلی موثر بر وقوع زمین لغزش در منطقه شناخته شده است. سپس بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی و رگرسیون لاجستیک عوامل مذکور با توجه به اهمیتی که در وقوع زمین لغزش دارند با هم مقایسه گردیده و به هر یک وزن مناسبی اختصاص داده شده است تا بتوان بر اساس آن استعداد زمین لغزش حوضه را بر مبنای درجات مختلفی چون خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد پهنه بندی نمود.

اطلاعات مختلف و مورد نیاز پژوهش با استفاده از نقشه های مبنایی مختلف موجود (نقشه های توپوگرافی و زمین شناسی)، بررسی های میدانی، استفاده از دستگاه GPS، عکس های هوایی و تصویر ماهواره ای به سیستم اطلاعات جغرافیایی وارد و در آن ذخیره شده و در نهایت با تغییر فرمت داده ها از برداری به رستری، نقشه های مورد نیاز تهیه گردید. سپس لغزش های اتفاق افتاده و مناطق مستعد و مشکوک به لغزش در منطقه که توسط وزارت جهاد کشاورزی شناسایی و روی نقشه توپوگرافی با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ مشخص شده بودند نیز رقومی

گردیدند. این نقشه شامل ۱۵۰ زمین لغزش و پهنه لغزشی به همراه تعداد زیادی پهنه و مناطق افتان و واژگونی می باشد (شکل ۲).



شکل (۲) لغزشهای وقوع یافته در حوضه جاجرود

زمین لغزش های ثبت شده با لایه های مختلف هم پوشانی داده شد. سپس برای تعیین اهمیت و تأثیر نسبی عوامل و فاکتورهای مؤثر در پهنه بندی خطر زمین لغزش معمولاً از روش وزن دهی یا امتیازدهی استفاده شده است. بر اساس مطالعات مختلف برای هر یک از فاکتورها می توان وزن (امتیاز) و یا حتی ضریبی را نیز در نظر گرفت. در این پژوهش وزن دهی فاکتورها براساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)^۱ که یک روش کمی-کیفی است انجام شده است.

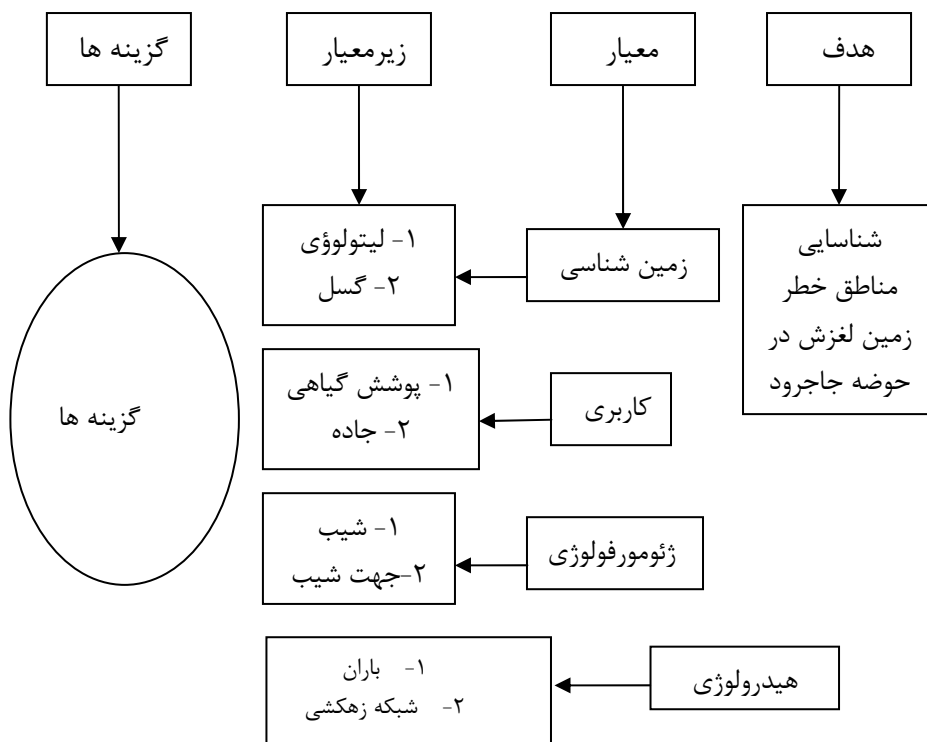
^۱ -Analytical Hierarchy Process

فرایند تحلیل سلسله مراتبی از جمله جامع ترین مدل های طراحی شده برای تصمیم گیری با معیارهای چندگانه است. زیرا این مدل امکان فرموله کردن مساله را به صورت سلسله مراتبی فراهم می کند و امکان در نظر گرفتن معیارهای مختلف کمی و کیفی را نیز در مساله دارد. علاوه بر این بر مبنای مقایسه زوجی بنا نهاده شده، قضاوت و محاسبه را تسهیل می کند و مقدار سازگاری یا ناسازگاری تصمیم را نشان می دهد (شمسی پور و شیخی، ۱۳۸۹).

تحلیل یافته های تحقیق

در این پژوهش بر اساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی به هر یک از فاکتورها، ارزش یا وزنی داده شده و نهایتاً جمع جبری آنها معیار برآورد خطر نسبی زمین لغزش و پهنه بندی قرار گرفته است. این روش که توسط ساعتی (ساعتی ۱۹۸۰) ارائه شده است یک روش ریاضی جهت تعیین اهمیت و تقدم معیارها در فرایند تحلیل و ارزیابی است (قنواتی، ۱۳۸۵). در این پژوهش شناسایی مناطق خطر زمین لغزش که هدف کلی می باشد به عنوان سطح اول، چهار معیار زمین شناسی، کاربری، ژئومورفولوژی و هیدرولوژی به عنوان سطح دوم و ۱۰ زیر معیار نیز به عنوان سطح سوم در نظر گرفته شده اند (شکل ۳).

گزینه ها حاصل تحلیل در پایگاه GIS می باشند. هر لایه شامل مقادیر صفاتی است که به گزینه ها تخصیص داده شده و هر گزینه (سلول یا پلی گون) مرتبط با عناصر سطح بالایی (صفات) می باشد. بعد از تجزیه مسئله به سلسله مراتب، عناصر سطوح مختلف بصورت دوتایی با هم مقایسه شده اند و بر اساس میزان ارجحیت دو معیار، ارزش گذاری صورت می گیرد. واژه غربال کردن که توسط ساعتی ارائه شده است (جدول ۱)، برای ارزیابی میزان ارجحیت دو معیار استفاده شده است. مزیت اصلی استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی این است که به تصمیم گیران کمک می کند تا یک مسئله پیچیده را بصورت ساختار سلسله مراتبی در آورده و به حل آن بپردازند.



شکل (۳) سلسله مراتب پهنه بندی خطر زمین لغزش در حوضه جاجرود

جدول (۱) مقیاس بندی ساعتی

مقدار	واژه های غربالی	توصیف
۱	اهمیت مساوی	دو عنصر با توجه به سطح بالاتر دارای اهمیت برابر هستند.
۳	اهمیت نسبتا بیشتر	با توجه به تجربیات هنگام مقایسه عناصر ارزش نسبتا بیشتری به یک عنصر داده می شود.
۵	اهمیت بیشتر	با توجه به تجربیات هنگام مقایسه عناصر ارزش زیادی به یک عنصر داده می شود.
۷	خیلی مهم تر	در عمل برتری یک عنصر ثابت شده است
۹	بسیار مهم تر	در میان عناصر بالاتری درجه به یک عنصر خاص داده می شود
۲,۸,۴,۶		مقادیر میانه

با استفاده از مقیاس نسبی و مقیاس غربالی می توان به وزن دهی عنصر کمی و کیفی پرداخت. برای تعیین درجه دقت وصحت وزن دهی از شاخص سازگاری استفاده می شود. این شاخص بر مبنای رویکرد بردار ویژه تئوری گراف محاسبه می گردد (ساعتی، ۱۹۸۰). چنانچه شاخص سازگاری معادل ۰/۱ یا کمتر باشد، وزن دهی صحیح بوده و در غیر این صورت وزن های نسبی داده شده به معیارها بایستی تغییر یابند و وزن دهی مجدد باید انجام شود (کرم، ۱۳۸۳). روش تحلیل سلسله مراتبی یک روش ساده محاسباتی بر اساس عملیات اصلی روی ماتریس هامی باشد. با ایجاد سلسله مراتب و پردازش گام به گام، ساخت ماتریس های مقایسه ای در سطوح مختلف سلسله مراتب، بردار ویژه آن را محاسبه کرده و با ترکیب بردارهای ضرایب وزنی گزینه های مختلف محاسبه می شوند. در بردار ضرایب وزن نهایی، اهمیت نسبی هر گزینه با توجه به هدف راس سلسله مراتب تعیین می شود (قنواتی، ۱۳۸۵).

ایجاد ماتریس مقایسه دوتایی

با توجه به اینکه در سطح دوم تحلیل سلسله مراتبی چهار معیار مکانی در نظر گرفته شده است. بنابراین طبق رابطه

$$[N * (n-1)] / 3 \qquad [4 * (4-1)] / 3 = 4$$

با استفاده از نرم افزار Expert choice برای انجام مقایسه، ماتریس ۴*۴ ایجاد و معیار های مختلف دوتایی با هم مقایسه شده و مقادیر مربوطه بر اساس غربال ساعتی (جدول شماره ۱۳) اختصاص یافته است (جدول ۲).

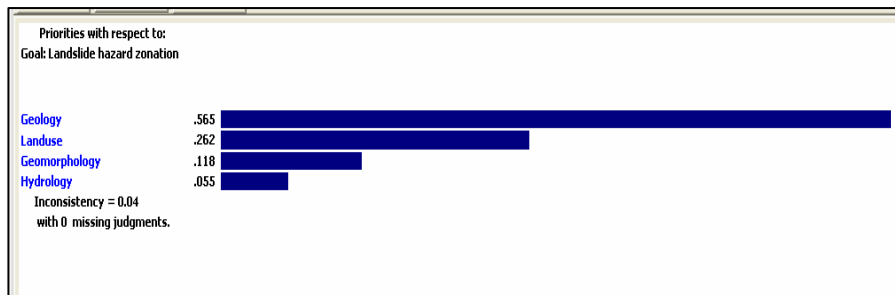
جدول (۲) مقایسه اهمیت نسبی معیارها در ارتباط با هدف (پهنه بندی خطر زمین لغزش)

	Geology	Landuse	Geomorph	Hydrology
Geology		3.0	5.0	7.0
Landuse			3.0	5.0
Geomorphology				3.0
Hydrology	Incon: 0.04			

برای انجام مقایسه ماتریس ۴*۴ (جدول شماره ۲) ایجاد و معیارهای دوتایی با هم مقایسه شده اند و مقادیر مربوطه بر اساس مقیاس بندی ساعتی (جدول شماره ۱) مشخص شده است. با توجه به اینکه ماتریس قطری است، تعداد چهار مقایسه انجام شده است. سطر اول بیانگر این است که

معیار زمین شناسی نسبت به کاربری اراضی در ارتباط با زمین لغزش اهمیت نسبتاً بیشتر، در ارتباط با ژئومورفولوژی اهمیت بیشتر و در ارتباط با هیدرولوژی دارای اهمیت خیلی بیشتر است. سطر دوم نیز نشان می دهد که کاربری اراضی در ارتباط با زمین لغزش نسبت به معیار ژئومورفولوژی دارای اهمیت نسبتاً بیشتر و نسبت به معیار هیدرولوژی اهمیت بیشتری دارد. همچنین سطر سوم اهمیت نسبتاً بیشتر ژئومورفولوژی را نسبت به هیدرولوژی نشان می دهد. باتوجه به اینکه شاخص سازگاری $0.4/0$ محاسبه گردیده و بسیار کمتر از $1/0$ می باشد، نشان دهنده دقت و صحت وزن دهی به معیارها است.

بر اساس روش ساعتی برای محاسبه مقادیر و بردار ویژه، ستون ها در جدول شماره ۲ با هم جمع شده و هر سلول بر جمع ستون مربوطه تقسیم می شود. بدین ترتیب جدول شماره ۲ نرمال شده است. سپس میانگین سطرهای جدول نرمال شده به عنوان وزن نسبی محاسبه شده است (شکل ۴).



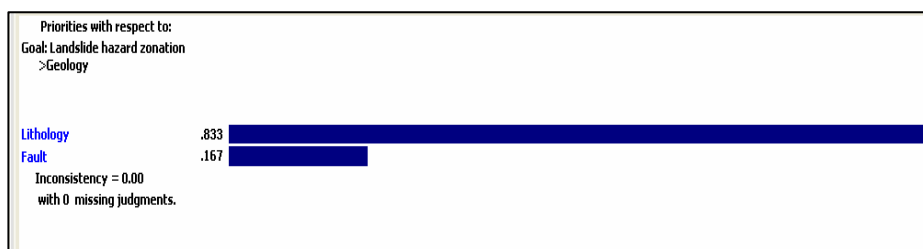
شکل (۴) وزن نسبی معیارها

باتوجه به شکل شماره ۴ وزن نسبی معیار زمین شناسی $0.565/0$ محاسبه شده است و بیشترین وزن نسبی را به خود اختصاص داده است. سپس به ترتیب معیارهای کاربری اراضی

جدول (۳) مقایسه اهمیت نسبی معیارها در ارتباط با معیار زمین شناسی

	Litology	Fault
Litology		5.0
Fault	Incon: 0.00	

با ۰/۲۶۲، ژئومورفولوژی با ۰/۱۱۸ و هیدرولوژی با ۰/۰۵۵ قرار گرفته اند. در مرحله بعد مانند مقایسه دوتایی سطح ۲، برای زیرمعیارهای سطح ۳ نیز مقایسه دوتایی انجام شده است (جدول شماره ۳) و بقیه مراحل نیز مانند سطح ۲ تکرار گردیده اند. با توجه به جدول شماره ۳ زیرمعیار لیتولوژی نسبت به گسل در ارتباط با زمین لغزش اهمیت بیشتری دارد. بنابراین طبق مقیاس بندی ساعتی عدد ۵ به آن اختصاص یافته است.



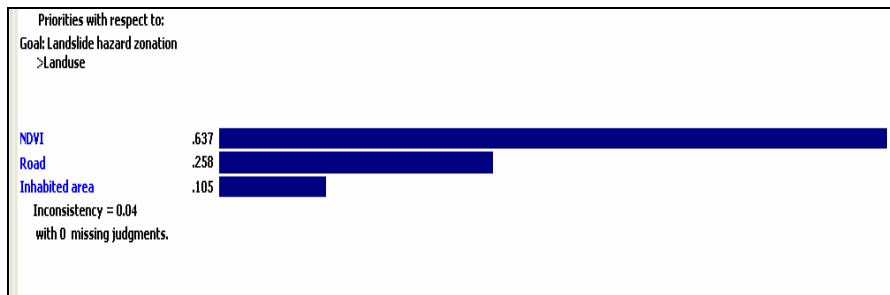
شکل (۵) وزن نسبی زیرمعیارهای زمین شناسی

وزن نسبی زیرمعیارهای لیتولوژی و گسل نیز به ترتیب ۰/۸۳۳ و ۰/۱۶۷ محاسبه شده است. زیرمعیارهای پوشش گیاهی (NDVI)، نزدیکی به جاده (Road) و نواحی مسکونی (Inhabited area) نیز دو به دو با هم مقایسه شده اند (جدول ۴).

جدول (۴) مقایسه اهمیت نسبی زیرمعیارها در ارتباط با معیار کاربری

	NDVI	Road	Inhabited area
NDVI		3.0	5.0
Road			3.0
Inhabited area	Incon: 0.04		

با توجه به جدول ۴ زیرمعیار پوشش گیاهی نسبت به نزدیکی به جاده اهمیت نسبتاً بیشتر و نسبت به نواحی مسکونی اهمیت بیشتری دارد. زیرمعیار نزدیکی به جاده نیز نسبت به نواحی مسکونی اهمیت نسبتاً بیشتری دارد.



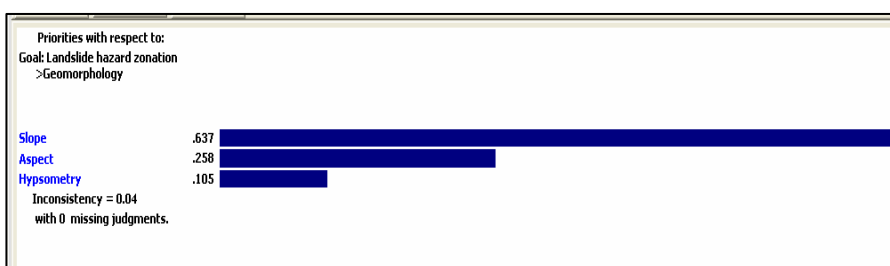
شکل (۶) وزن نسبی زیرمعیارهای کاربری

وزن نسبی زیرمعیارهای پوشش گیاهی، نزدیکی به جاده و نواحی مسکونی نیز به ترتیب ۰/۶۳۷، ۰/۲۵۸ و ۰/۱۰۵ محاسبه شده اند (شکل شماره ۶).

جدول (۵) مقایسه اهمیت نسبی زیرمعیارها در ارتباط با معیار ژئومورفولوژی

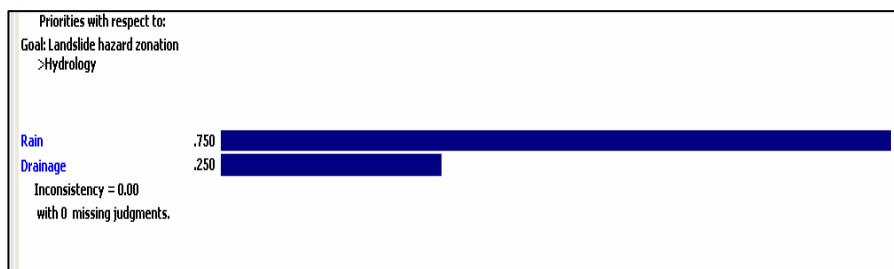
	Slope	Aspect	Hypsometr
Slope		3.0	5.0
Aspect			3.0
Hypsometry	Incon: 0.04		

باتوجه به جدول ۱۷ زیر معیار شیب نسبت به جهت شیب در وقوع لغزش اهمیت نسبتا بیشتر و نسبت به هیپسومتری اهمیت بیشتری دارد. همچنین زیرمعیار جهت شیب نسبت به هیپسومتری در وقوع لغزش اهمیت نسبتا بیشتری دارد.



شکل (۷) وزن نسبی زیرمعیارهای ژئومورفولوژی

وزن نسبی زیرمعیارهای شیب، جهت شیب و هیپسومتری به ترتیب ۰/۶۳۷ و ۰/۲۵۸ و ۰/۱۰۵ محاسبه گردیده است (شکل ۷).



شکل (۸) وزن نسبی زیرمعیارهای هیدرولوژی

جدول (۶) مقایسه اهمیت نسبی زیرمعیارها در ارتباط با معیار هیدرولوژی

	Rain	Drainage
Rain		3.0
Drainage	Incon: 0.00	

با توجه به جدول شماره ۶ زیر معیار بارندگی نسبت به زهکشی در وقوع لغزش اهمیت نسبتاً بیشتری دارد.

وزن نسبی زیرمعیارهای بارندگی و زهکشی نیز به ترتیب ۰/۷۵۰ و ۰/۲۵۰ محاسبه شده است (شکل ۸).

پس از مقایسه زوجی معیارها و زیر معیارها و محاسبه وزن نسبی و نهایی برای هر یک بوسیله نرم افزار Expert choice نقشه های عوامل مختلف موثر بر لغزش تهیه و با نقشه پراکنش لغزش تلفیق شد. سپس طبق رابطه زیر تراکم لغزش ها در هر کلاس طبقه محاسبه گردید.

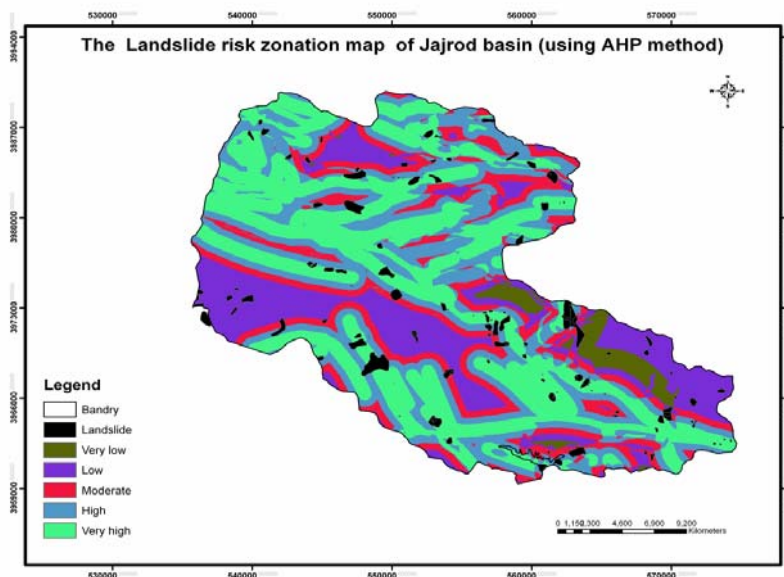
$$W = [(A/B) / (C/D)]$$

که در آن، W: وزن هر کلاس، A: مساحت زمین لغزش هر کلاس، B: مساحت هر کلاس، C: مساحت کل زمین لغزش ها و D: مساحت کل منطقه است. سپس وزن هر عامل که از ماتریس

وزن دهی به دست آمده است، در وزن کلاس های آن عامل ضرب شد و وزن نهایی هر کلاس و معادله نهایی برای پهنه بندی لغزش به طریق زیر به دست آمد.

$$M = 0.833X_1 + 0.167X_2 + 0.637X_3 + 0.258X_4 + 0.105X_5 + 0.637X_6 + 0.250X_7 + 0.105X_8 + 0.750X_9 + 0.250X_{10}$$

که در آن، M : عامل حساسیت به لغزش و X_1 تا X_{10} به ترتیب عوامل سنگ شناسی، فاصله از گسل، پوشش گیاهی، فاصله از جاده، فاصله از مراکز مسکونی، شیب، جهت شیب، هیپسومتری، بارش و زهکشی هستند.



شکل (۹) نقشه پهنه بندی خطر لغزش حوضه جاجرود با استفاده از مدل AHP

درصد مساحت هر یک از کلاس های شدت خطر لغزش در حوضه جاجرود محاسبه گردیده است (جدول ۷)

جدول (۷) شدت خطر لغزش و درصد مساحت هر یک از کلاس ها

درصد مساحت	شدت خطر
۳/۱۹	خیلی کم
۱۸/۸۱	کم
۱۵/۴۲	متوسط
۲۷/۲۸	زیاد
۳۵/۳	خیلی زیاد
۱۰۰	جمع

با توجه به جدول شماره ۷ بیش از ۶۲ درصد از مساحت حوضه جاجرود در پهنه های شدت خطر زیاد و خیلی زیاد لغزش واقع شده اند و حدود ۲۲ درصد از مساحت منطقه در پهنه های خطر کم و خیلی کم قرار گرفته اند.

نتیجه گیری

به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای طبیعی و زمین شناختی حوضه رودخانه جاجرود یکی از مناطق مستعد کشور نسبت به وقوع زمین لغزش، سنگ ریزه و روانه های گلی و سایر پدیده های مرتبط با لغزش دامنه ها می باشند. به طوری که مشخص گردید بیش از ۶۲ درصد از مساحت حوضه در پهنه خطر زیاد و بسیار زیاد لغزش واقع شده است. این حوضه در ناحیه کوهستانی با حداکثر ارتفاع آن ۴۲۰۰ و حداقل ارتفاع ۱۶۰۰ واقع شده است. با توجه به کوهستانی بودن حوضه، وجود شیبهای تند یکی از مشخصه های اصلی این حوضه است. به گونه ای که ۶۲ درصد از مساحت حوضه دارای شیب بیش از ۲۰ درجه است. بر اساس تجربیات گذشته معمولاً با افزایش شیب میزان لغزش نیز افزایش می یابد (خامه چیان و دیگران ۱۳۸۴). ولی بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق به علت تأثیر بیشتر عامل لیتولوژی بیشتر زمین لغزش ها در شیبهای نسبتاً پایین (کمتر از ۵ درجه) حادث شده است. از نظر زمین شناسی نیز منطقه در واحد زمین ساختی البرز مرکزی قرار گرفته که لیتولوژی خود تحت تأثیر عوامل دیگری مانند شدت هوازدگی، سیستم درزه ها، خردشدگی در منطقه و ... می باشد و رابطه تنگاتنگی با اقلیم مختلف دارد (معماریان، ۱۳۷۴). سازندهای منطقه به ترتیب از قدیم به جدید شامل سازند های باروت، زاگون، لالون، میلا، جیرود، مبارک، دورود، روته، نسن، الیکا، شمشک، دلیچای، لار، تیز کوه، فجن، زیارت، کرج، سینیت لواسان،

قرمز، هزار دره، نهشته های عهد حاضر (کوآترنر) است. بر اساس نتایج حاصل از مدل و پهنه بندی انجام شده، بخش اعظم مساحت منطقه را سنگ های شیلی، مارن وتوف مربوط به سازند کرج و رسوبات آبرفتی و نهشته های عهد حاضر تشکیل داده اند و بخش عمده سازند های حوضه را تشکیل می دهند. گستردگی این نوع سازند به عنوان بیشترین عامل تأثیر گذار شناخته شده که با توجه به درجه حساسیت نوع سنگ، سنگهایی با درجه حساسیت بسیار بالا در این محدوده با مساحت ۷۸٪ بیشتر از بقیه حساسیت خود را به زمین لغزش نشان داده است. بقیه عوامل از جمله شیب و ارتفاع نیز به دلیل رخنمون زیاد این سنگ ها و حساسیت آنها در مقابل لغزش، تحت شعاع خود قرار داده است.

منابع و مآخذ

۱. خامه چیان، ماشاله، پرویز عبدالمالکی و بابک رافعی (۱۳۸۴) به کارگیری تحلیل رگرسیون لوژستیک برای پهنه بندی خطر زمین لغزش در منطقه سفیدارگله استان سمنان، امیرکبیر، سال شانزدهم، شماره ۶۲ (مهندسی عمران).
۲. شریعت جعفری، محسن (۱۳۷۵) زمین لغزش (مبانی و اصول پایداری شیبهای طبیعی)، انتشارات سازه
۳. شمسی پور، علی اکبر و محمد شیخی (۱۳۸۹) پهنه بندی مناطق حساس و آسیب پذیری محیطی در ناحیه غرب فارس، باروش طبقه بندی فازی و فرایند تحلیل سلسله مراتبی، فصلنامه پژوهش های جغرافیای طبیعی، شماره ۷۳، صص ۵۳-۶۸.
۴. شمسی پور، علی اکبر، شهابی، سالاری، ممند و محمد عباسی، (۱۳۸۹) پهنه بندی خطر زمین لغزش با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مطالعه موردی حوضه آبخیز سقز، محیط جغرافیایی، شماره ۱.
۵. قنواتی، عزت اله (۱۳۸۵) مکان یابی محل دفن بهداشتی مواد زائد جامد شهری با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) (مطالعه موردی شهر آبدانان)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۱۱.

۶. کرم، عبد الامیر (۱۳۸۰) مدل سازی کمی و پهنه بندی خطر زمین لغزش در زاگرس چین خورده، رساله دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس
۷. کرم، امیر (۱۳۸۳) کاربرد مدل ترکیب خطی وزین (WLC) در پهنه بندی وقوع زمین لغزش، جغرافیا و توسعه، شماره ۴ زاهدان.
۸. کمک پناه، علی، منتظرالقائم (۱۳۷۳) س... و چدنی ا.ج.، پهنه بندی زمین لغزه در ایران، جلد اول: زمین لغزه و مروری بر زمین لغزه های ایران، تهران، مؤسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله
۹. معماریان، ۱۳۷۴، زمین شناسی مهندسی و ژئوتکنیک، تهران، دانشکده فنی، دانشگاه تهران

Poulus, H. G. (1992) *An Approach to seismic microzonation for Environmental planning and management*. UNIVERSITY OF Sydney.

Satty, T (1980), *the analytical hierarchical process; plans priority setting resource allocation*. New York; Mc Grow-Hill.